







## حکمرانی فضای مجازی در چین (۲)

بررسی سیاست دوگانه چین در قبال شرکت‌های  
اقتصاد دیجیتال و بازآرایی نخبگان سیاسی

دفتراپی (Research Paper) شماره یازدهم (بهمن ماه ۱۴۰۴)

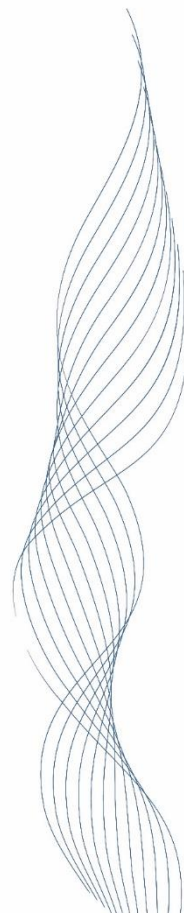
تهیه و تنظیم: محمد حمزه ئی، طهاذی قیمت

تمام حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشگاه فضای  
مجازی است و استفاده از آن تنها با ذکر منبع مجاز است.  
همچنین محتوای منتشر شده در این گزارش بیانگر دیدگاه رسمی  
مرکز ملی فضای مجازی نیست.

نشانی: تهران، سعادت آباد، خیابان علامه شمالی، کوچه هجدهم غربی، پلاک ۱۷

تلفن: ۰۲۱-۲۲۰۷۳۰۳۱

کد پستی: ۱۹۹۷۹۸۷۶۲۹



مقالات پژوهشی (Research Paper) از مهم‌ترین ابزارهای توسعه دانش هستند که با تکیه بر داده‌های تجربی به بررسی دقیق و جامع موضوعات تخصصی می‌پردازند. این مقالات معمولاً توسط پژوهشگران، استادان دانشگاه و محققان حرفه‌ای نوشته می‌شوند و به تفصیل از مشاهدات و داده‌های تحقیق بحث می‌کنند. مخاطب این مقالات نیز عمدتاً محققان و کارشناسان آن رشته است. امروزه در مسئله فضای مجازی و سایبری، به‌طور مرتب مقالات پرشماری توسط محققان و اندیشکده‌ها تولید می‌شود که به بررسی موشکافانه مسائل جاری در این حوزه می‌پردازند. آگاهی از این مطالعات و رصد شرایط و ابعاد مختلف این حوزه از این رهگذر، برای کارشناسان و به‌خصوص قانون‌گذاران، حکمرانان و متولیان این عرصه ضروری است.

**دفترهای آبی** دسته‌ای از گزارش‌های تفصیلی تولیدشده در پژوهشگاه فضای مجازی، و محصول

رصد مطالعات اندیشکده‌ها و نخبگان جهان و منطقه در این موضوع است.

## پیشگفتار

چین در مرحله‌ای از توسعه اقتصادی و فناوری قرار دارد که به اصلی‌ترین رقیب آمریکا بدل شده است و به ویژه در عرصه فضای مجازی دومین بازیگر بزرگ دنیا شناخته می‌شود. چین در این حوزه نیز به شیوه مخصوص خود پیش می‌رود. دولت چین عرصه فضای مجازی را نه بستری فراملی و جهانی، بلکه دقیقاً قلمروی ملی می‌شمارد که دولت‌ها باید در آن اعمال حاکمیت کنند. در نتیجه، فضای مجازی در چین یک بستر بومی، با جمعیت بزرگ بومی، پلتفرم‌های بومی و سیاست‌های کنترل شده و تحت اشراف دولت چین است و دولت منطبق با رویکرد سوسیالیستی خود، کنترل کاملی بر محتوا، جریان داده، پلتفرم‌های بزرگ و هدف‌گذاری شرکت‌های فناوری دارد.

چین توانسته است برای تقریباً تمامی خدمات و پلتفرم‌های آمریکایی، نمونه‌های بومی و جایگزین ایجاد کند و وابستگی خود را به حداقل برساند. در سال‌های اخیر برخی پلتفرم‌ها و محصولات چینی، مانند تیک‌تاک و دیپ‌سیک، وارد عرصه جهانی نیز شده‌اند و در سطح یک بازیگر جهانی جدی عمل کرده‌اند.

برای شناخت سیاست‌گذاری فضای مجازی در چین، آشنایی با چند محور ضروری است. نخست، نهادهای تنظیم‌گر و رگولاتور از جمله نهاد «اداره کل فضای مجازی چین» (CAC) که نهاد بالادستی و ملی این حوزه محسوب می‌شود که شناخت ساختار، وظایف و نسبت این نهادها با یکدیگر مفید است. این ساختار شباهت‌هایی با ساختارهای داخلی ایران دارد که در آن شورای عالی و مرکز ملی فضای مجازی در بالادست تعریف شده و نهادهای اجرایی ذیل آن فعالیت می‌کنند. چین همچنین نهادهای امنیتی قدرتمند و مهمی دارد که بر حوزه فضای مجازی متمرکزند.

دوم، زیست‌بوم دیجیتال چین حول شرکت‌های بزرگ و مادر شکل گرفته است. شرکت‌هایی مانند علی‌بابا، بایدو، بایت‌دانس و تنسنت به عنوان هلدینگ‌های اصلی، مالک یا پشتیبان بسیاری از اپلیکیشن‌های مورد استفاده در چین هستند. این بازیگران مؤثر باید به درستی رصد و ارزیابی شوند. چین در حوزه زیرساخت و توسعه فناوری به بازیگری بسیار بزرگ تبدیل شده و سرمایه‌گذاری

گسترده‌ای در زیرساخت‌ها و ایجاد شبکه‌ای از نهادهای خدمات‌رسان و اپلیکیشن‌ها انجام داده است.

همچنین یکی دیگر از مزیت‌های بزرگ چین، مزیت «کلان داده» است. چین بزرگترین جامعه کاربران فضای مجازی را دارد. این جمعیت انبوه در کنار پوشش وسیع خدمات ابری و دیجیتال، طی سال‌های گذشته حجم بسیار زیادی «داده» تولید و انباشته کرده است که به یک مزیت راهبردی جدی برای این کشور تبدیل شده است که قادر است تقریباً هر حوزه‌ای را با اتکا به این حجم عظیم داده تقویت کند و توسعه دهد.

چین برای رسیدن به این جایگاه مسیری را طی کرده که سرشار از تجربه‌های قابل اعتنا و البته ویژگی‌های منحصر به فرد است. این کشور در یک مواجهه و رقابت سرسختانه با بازیگر اصلی این عرصه، یعنی آمریکا، چه در حوزه زیرساخت، چه در تعریف زیست‌بوم دیجیتال و چه در حمایت از اپلیکیشن‌های بومی، قرار گرفته است. تجربه خوانی چین نه فقط برای کشورهای که با آمریکا در تقابل و تعارض سیاسی‌اند، بلکه برای هر کشوری که در یکی از این زمینه‌ها برای تبدیل شدن به یک بازیگر جدی هدف‌گذاری کرده است اهمیت دارد. چین در نمونه‌های متعددی مانند تیک‌تاک و هوآوی، بخشی از حاکمیت دیجیتال آمریکا را به چالش کشید و تجاری خواندنی کسب کرده است.

پژوهشگاه فضای مجازی ۴ شماره از دفترهای آبی خود را به مطالعه این مسئله اختصاص داده و دفتر حاضر شماره دوم از این موضوع است که به دگرگونی راهبردی و بنیادین چین در تعریف رابطه دولت-سرمایه می‌پردازد.

میثم غلامی

سرپرست پژوهشگاه فضای مجازی

بهمن ماه سال ۱۴۰۴



## مقدمه: تغییر پارادایم در روابط دولت-سرمایه در چین پس از ۲۰۲۰

جمهوری خلق چین از اواخر سال ۲۰۲۰ میلادی دست به یک تحول راهبردی عمیق در سیاست‌های اقتصادی خود زده است که به طور خاص بخش فناوری را هدف قرار داده است. این تحول، نوعی «سیاست دوگانه» شناخته می‌شود: از یک سو، اعمال یک رژیم مقررات‌گذاری بی‌سابقه و سخت‌گیرانه بر شرکت‌های بزرگ پلتفرمی و اقتصاد مصرف‌کننده (Soft Tech)، و از سوی دیگر، حمایت مالی و سیاسی متمرکز و عظیم از توسعه فناوری‌های بنیادین و استراتژیک (Hard Tech) مانند نیمه‌هادی‌ها و هوش مصنوعی. (تانگ، ۲۰۲۱)

نقطه عطف بارز این موضوع، تعلیق عرضه عمومی اولیه ۴/۳۵ میلیارد دلاری گروه آنت در نوامبر ۲۰۲۰ بود. (فورده، ۲۰۲۰) این رخداد به سرعت به آغاز یک موج گسترده انحصارزدایی، حاکمیت داده‌ها و بازنگری ایدئولوژیک در سراسر بخش فناوری تبدیل شد. همزمانی این سیاست‌های رگولاتوری سخت‌گیرانه با بازآرایی نخبگان در نهادهای عالی حاکمیتی چین، به ویژه در کنگره ملی خلق (NPC) و کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین (CPPCC) در سال ۲۰۲۳، نشان می‌دهد که این استراتژی فراتر از

یک اصلاح اقتصادی ساده است. این حرکت در واقع بازتعریف بنیادین روابط دولت-سرمایه و اولویت بندی های راهبردی چین ذیل رهبری شی جین پینگ است. (رویترز، ۲۰۲۱)

هدف از این گزارش، ارائه یک تحلیل چندلایه است که ریشه های ایدئولوژیک، اقتصادی و امنیتی سیاست دوگانه چین را بررسی می کند، ابعاد مقررات گذاری و حمایت دولتی را تشریح می نماید و ماهیت زمان بندی و ماهیت نهایی این تغییر جهت استراتژیک (برنامه ریزی شده در مقابل واکنشی) را تعیین می کند.



## اول: مبانی ایدئولوژیک و ریشه‌های تغییر استراتژیک

تغییر پارادایم در روابط دولت-سرمایه در چین که به سیاست دوگانه انجامید، از مجموعه‌ای از اهداف سه‌گانه حزب کمونیست چین (CCP) سرچشمه می‌گیرد:

- رفاه مشترک و مقابله با توسعه بی‌ضابطه سرمایه
- تضمین استقلال و خودکفایی فناورانه
- تثبیت کامل حاکمیت سایبری و امنیت داده‌ها.

### ایدئولوژی محوری: رفاه مشترک و مقابله با توسعه بی‌ضابطه سرمایه

یکی از ستون‌های مرکزی این تحول، دکترین «رفاه مشترک» (Common Prosperity) است. این شعار که در اوایل دهه ۲۰۲۰ با جدیت دنبال شد، به عنوان توجیهی حیاتی برای کاهش نابرابری شدید و کنترل بر ثروت هنگفت و متمرکزی که در دستان بنیان‌گذاران غول‌های فناوری جمع شده بود، مورد استفاده قرار گرفت. از دیدگاه حزب، مدل توسعه‌ای که منجر به رشد افسارگسیخته پلتفرم‌ها شده بود، با هزینه افزایش نابرابری و تضعیف رفاه اجتماعی به دست آمده بود و دیگر با آرمان‌های سوسیالیستی حزب همسوز نبود. (دیوی، ۲۰۲۱)

در این میان مفهوم «توسعه بی‌ضابطه سرمایه» محور اصلی فلسفه مقررات‌گذاری بر Soft Tech ها را تشکیل داد. (سون، ۲۰۲۲) این اصطلاح به عنوان ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی-

اجتماعی چین معرفی شد و به عنوان نقدی صریح بر رفتار شرکت‌هایی مانند علی‌بابا و تنسنت به کار رفت. هدف این سیاست نه تنها تنبیه، بلکه تنظیم مجدد «درآمد بیش از حد» و هدایت اجباری جریان‌های سرمایه بخش خصوصی به سمت اولویت‌های ملی استراتژیک، به جای بازارهای پرریسک و مصرف‌گرا بود. (تانگ، ۲۰۲۱)

این اقدامات رامی‌توان در چارچوب تلاش حزب برای بازتعریف مرزهای قدرت و تنظیم رابطه خود با نخبگان فناوری دید. سخنرانی انتقادی «جک ما»، بنیان‌گذار علی‌بابا و آنت‌گروپ که منجر به توقف عرضه عمومی اولیه (IPO) این شرکت در سال ۲۰۲۰ شد، برای دولت نشانه‌ای بود از اینکه پلتفرم‌های بزرگ و چهره‌های محوری آن‌ها در حال تبدیل شدن به مراکز نفوذی هستند که می‌توانند در برخی حوزه‌ها از چارچوب‌های حکمرانی فراتر روند. تحلیل‌هایی همچون فوررد (۲۰۲۰) نشان می‌دهند این وضعیت در پکن به عنوان شکلی از «ریسک اقتدار» تلقی شد؛ ریسکی که نه تنها اقتصادی، بلکه نهادی و حکمرانی بود.

از نگاه سیاست‌گذاران چینی، چالش محوری همواره ایجاد توازن میان رشد فناوری و ثبات نهادی بوده است. در سال‌های پیش از ۲۰۲۰، دولت با تکیه بر رویکرد تکنو-توسعه‌گرایی، توسعه سریع پلتفرم‌های دیجیتال را تشویق می‌کرد و نسبت به برخی الگوهای حاکمیت شرکتی و تمرکز بازار انعطاف قابل توجهی نشان می‌داد. با این حال، تجربه پرونده آنت‌گروپ مسیر سیاست‌گذاری را تغییر داد. بررسی‌های حاکمیتی و مالی نشان داد که سرعت نوآوری و گسترش فعالیت پلتفرم‌ها، اگر بدون چارچوب نظارتی مناسب ادامه یابد، می‌تواند خطرات سیاسی، اقتصادی و سیستمیک به همراه داشته باشد. در نتیجه، اصلاحات نظارتی پس از سال ۲۰۲۰ را نباید صرفاً محدودسازی بخش خصوصی تلقی کرد، بلکه باید آن را تلاشی برای بازتعریف رابطه میان دولت، بازار و پلتفرم‌ها در چارچوبی دانست که اولویت اصلی آن، حفظ پایداری و انسجام نظام حکمرانی است.

### ملاحظات ژئوپلیتیک: استقلال فناورانه

تغییر جهت سیاست‌های فناوری چین، همزمان با تشدید بی‌سابقه تنش‌های ژئوپلیتیک و اعمال محدودیت‌های تجاری و فناورانه توسط ایالات متحده و غرب، شدت گرفت. این «جنگ فناوری» و مهار خارجی به عنوان یک «نقطه عطف» تلقی شد که نیاز به استقلال فناورانه را از یک هدف بلندمدت (مانند برنامه «ساخت چین ۲۰۲۵») به یک ضرورت فوری برای بقای ملی تبدیل کرد. (جانجوا و همکاران، ۲۰۲۴)

در این راستا، استراتژی «گردش دوگانه» توسط شی جین پینگ معرفی شد. این استراتژی بر تکیه شدید بر «گردش داخلی» (تولید، توزیع و مصرف داخلی) تأکید می‌کند و هدف آن کاهش آسیب‌پذیری هادر زنجیره‌های تأمین فناورانه است. حمایت گسترده از Hard Tech (مانند تراشه‌ها، هوش مصنوعی، و نرم‌افزار پایه) مستقیماً در خدمت هدف «حذف گلوگاه‌های فناورانه» و «یکپارچه‌سازی عمودی تولید» است تا چین بتواند در برابر شوک‌های تحریم‌های خارجی مصون بماند. (آرمسترانگ-اسکات و همکاران، ۲۰۲۳)

پکن همچنین شش بخش کلیدی—مدارهای مجتمع، ماشین‌آلات، ابزارهای دقیق، نرم‌افزار پایه، مواد پیشرفته و بیوتکنولوژی—را در اولویت خود قرار داده و خواستار «اقدامات فوق‌العاده» (采取超常) (高 水平科技自立自强) و «تصمیم‌گیری‌های قاطع» برای رسیدن به «خودکفایی سطح بالا» (高水平科技自立自强) در این حوزه‌ها شده است. این رویکرد نشان می‌دهد که Hard Tech نه تنها زیرساخت اقتصادی، بلکه بخش مهمی از توانمندی نظامی-امنیتی چین محسوب می‌شود. (ووبکه و همکاران، ۲۰۱۶)

سیاست دوگانه عملاً یک مهندسی کلان اقتصادی برای انتقال منابع محسوب می‌شود. این سیاست طراحی شده است تا منابع مالی، انسانی و سیاسی را از بخش «مصرف‌کننده محور» و پررونق Soft Tech، که نفوذ سیاسی آن به یک ریسک تبدیل شده بود، به بخش «تولید و امنیت محور» Hard Tech منتقل کند. حزب بر این باور است که تنها از طریق مداخلات قدرتمند و متمرکز دولتی، با بهره‌گیری از «نقاط قوت سیستم جدید برای بسیج منابع سراسری» است که می‌تواند بر محدودیت‌های ناشی از مهار غرب و ضعف‌های موجود در تئوری‌های پایه هوش مصنوعی و نیمه‌هادی‌ها غلبه کند و به رقابت جهانی دست یابد. (شینهاوا، ۲۰۲۵)

## کنترل داده و اطلاعات به عنوان زیرساخت ملی

یکی از بنیادی‌ترین تغییرات در الگوی حکمرانی چین در اقتصاد دیجیتال، بازتعریف نقش «داده» به عنوان زیرساخت حیاتی ملی است؛ تغییری که پیامدهای گسترده‌ای در تنظیم‌گری پلتفرم‌ها، امنیت سایبری، رقابت، سیاست صنعتی و ساختار قدرت در اقتصاد چین داشته است. این تحول را باید بخشی از یک چارچوب بزرگ‌تر برای ساخت «حاکمیت سایبری با خصوصیات چینی» در نظر گرفت که از سال ۲۰۱۴ به بعد، تحت رهبری مستقیم شی جین پینگ، به یکی از ستون‌های اصلی ایدئولوژی امنیت ملی

تبدیل شده است. در این چارچوب، داده نه به عنوان یک «منبع تجاری» مانند رویکرد غربی بلکه به عنوان **دارایی استراتژیک ملی، شبیه انرژی، زمین، یا حتی قابلیت‌های نظامی** تعریف می‌شود. این یعنی کنترل داده، بخشی از کنترل سیاسی است. بنابراین طبیعی است که سیاست دوگانه چین—حمایت شدید از فناوری‌های سخت و در عین حال کنترل سخت‌گیرانه بر پلتفرم‌های داده‌محور—در نقطه داده متمرکز شود.

در دوره پس از ۲۰۱۸ و هم‌زمان با تشدید رقابت فناوریانه چین و آمریکا، شی جین‌پینگ «داده» را در کنار نیمه‌هادی‌ها و الگوریتم‌ها به عنوان یکی از ظرفیت‌های راهبردی و ژئوپلیتیک کشور معرفی کرد. این نگاه در «قانون امنیت سایبری» ۲۰۱۷ و «قانون امنیت داده» ۲۰۲۱ نهادینه شد؛ قوانینی که داده‌رانه صرفاً یک نهاد اقتصادی، بلکه یک دارایی امنیتی تمام‌عیار طبقه‌بندی می‌کنند. هر دو قانون بر چند اصل محوری تأکید دارند:

- داده‌های کلان می‌توانند امنیت ملی را تقویت کنند یا آن را به خطر اندازند؛
- انتقال برون مرزی داده (Cross-border Data Transfer) باید به طور سخت‌گیرانه کنترل شود؛
- داده‌های مهم و حساس باید در داخل کشور ذخیره و پردازش شوند؛
- اپراتورهای زیرساخت‌های اطلاعاتی حیاتی (CIOS) باید تحت نظارت امنیت ملی فعالیت کنند.

این رویکرد بر این تصور استوار است که جریان آزاد داده—که زیربنای مدل اینترنتی غرب را تشکیل می‌دهد—می‌تواند به ابزاری برای نفوذ، جاسوسی، اعمال فشار تحریمی یا حتی مهندسی اجتماعی تبدیل شود. پژوهشگران چینی مکرراً استدلال کرده‌اند که «جریان آزاد داده» در عصر هوش مصنوعی بالقوه توان ملی را فرسایش می‌دهد. از این منظر، داده برای سیاست‌گذاران پکن همان نقشی را ایفا می‌کند که نفت برای دولت‌های قرن بیستم داشت: منبعی بنیادین برای قدرت دولت-ملت.

اما همین نگاه امنیت‌محور، دولت را با چالشی اساسی روبه‌رو کرد: در عمل، گول‌های فناوری کشور—نظیر علی‌بابا، تنسنت و بایت‌دنس—به مالک و مدیر بخش بزرگی از زیرساخت‌های داده چین تبدیل شده بودند. این زیرساخت‌ها دیگر صرفاً ابزار تجاری نبودند؛ بلکه «زیرساخت‌های اطلاعاتی» بودند که الگوهای مربوط به رفتار مصرف‌کنندگان، تراکنش‌های مالی، ارتباطات اجتماعی و حتی داده‌های مکانی صدها میلیون نفر را در خود نگه می‌داشتند. بنابراین، دولت به خوبی آگاه بود که

هرگونه راهبرد ملی پیرامون داده، بدون بازپس‌گیری کنترل این زیرساخت‌ها، عملاً بی‌اثر خواهد بود. از نگاه حزب کمونیست (CCP) این وضعیت سه خطر ایجاد می‌کند:

**نخست، تمرکز قدرت خارج از حزب.** کنترل انبوه داده‌ها به برخی پلتفرم‌ها قدرتی فراتر از سطح یک «بنگاه اقتصادی» داده بود و به آن‌ها اجازه می‌داد بر سیاست‌های اقتصادی، جریان‌های تبلیغاتی و حتی رفتار اجتماعی اثر بگذارند و دولت چین این تمرکز داده را تهدیدی برای «اقتدار ساختاری حزب» تلقی می‌کرد. (گو، ۲۰۲۴)

**دوم، ریسک مالی سیستمی.** شرکت‌هایی مانند انت‌گروپ از حجم عظیم داده‌های کاربران برای طراحی محصولات اعتباری استفاده می‌کردند، بی‌آنکه سرمایه‌کافی برای پوشش ریسک داشته باشند؛ الگویی که بانک مرکزی چین آن را نوعی «زیرساخت بانکی سایه» می‌دانست.

**سوم، مالکیت خصوصی بر داده‌هایی که ماهیتاً عمومی‌اند.** داده‌های صدها میلیون کاربر — ۹۰۰ میلیون نفر در وی‌چت، ۷۰۰ میلیون نفر در علی‌پی، بیش از ۵۰۰ میلیون نفر در دوئین — عملاً در انحصار شرکت‌های خصوصی بود و خارج از کنترل مستقیم دولت قرار داشت.

در چنین بستری، حزب کمونیست تصمیم گرفت از سال ۲۰۲۰ به بعد، به «خصوصی‌سازی زیرساخت داده» پایان دهد و کنترل این دارایی استراتژیک را دوباره در سطح دولت متمرکز کند.

در ادامه این تحولات، سه قانون کلیدی به تدریج ستون‌های اصلی چارچوب جدید حکمرانی داده چین را تشکیل دادند: «قانون امنیت سایبری» ۲۰۱۷، «قانون امنیت داده» ۲۰۲۱ و «قانون حفاظت از اطلاعات شخصی» ۲۰۲۱. این سه گانه، در کنار هم، پلتفرم‌های بزرگ را از بازیگران مسلطی که عملاً مالک داده بودند، به «دارندگان موقتی داده در یک نظم حکمرانی دولتی» تبدیل می‌کند. در قانون امنیت سایبری، شرکت‌ها موظف‌اند داده‌های مهم را در داخل چین ذخیره کنند و ساختارهای امنیتی دولت باید بتوانند به اطلاعات حساس دسترسی داشته باشند. در قانون بعدی، داده‌ها به سه سطح — معمولی، مهم و بسیار حساس — تقسیم می‌شوند، و تعیین این که چه داده‌ای در کدام سطح قرار می‌گیرد انحصاراً در اختیار دولت مرکزی است. در قانون حفاظت از اطلاعات شخصی نیز رفتارهای الگوریتمی پلتفرم‌ها — از قیمت‌گذاری تبعیضی تا تبلیغات هدفمند و تصمیم‌گیری خودکار — باید قابل نظارت و حسابرسی باشند. حاصل این مجموعه آن است که قدرت اقتصادی، اطلاعاتی و الگوریتمی پلتفرم‌ها هم‌زمان محدود و قابل کنترل می‌شود.

در همین مسیر، دولت از سال ۲۰۲۰ داده‌ارسماد رکنار زمین، سرمایه و نیروی کار به عنوان «عامل پنجم تولید» به رسمیت شناخت تا از یک سوا انحصار داده در شرکت‌های فناوری نرم راکاهش دهد و از سوی دیگر جریان داده را به سمت اقتصاد واقعی و بخش‌های صنعتی هدایت کند. ایجاد «بازارهای داده» در استان‌هایی مانند گویژو، شانگهای و شنژن نیز با همین هدف انجام شد، با این تفاوت که این بازارها به جای مبادله آزاد، در چارچوبی کاملاً کنترل شده فعالیت می‌کنند؛ هر داده باید پیش از معامله توسط دولت ناشناس‌سازی شود و هر خرید و فروشی ثبت و تأیید گردد. به بیان ساده، پکن در حال پیشبرد نوعی «ملی‌سازی نرم داده» است، بدون آنکه به ملی‌کردن رسمی پلتفرم‌ها متوسل شود. (کمیتة مرکزی حزب کمونیست چین و شورای دولتی، ۲۰۲۰)

در ادامه این مسیر، پکن در ۲۰۲۲ یکی از اولین چارچوب‌های جامع تنظیم الگوریتم‌ها در جهان را معرفی کرد. چارچوبی که سیستم‌های توصیه‌گر، الگوریتم‌های قیمت‌گذاری، موتورهای جست‌وجو و حتی الگوریتم‌های تخصیص کار در پلتفرم‌هایی مثل میچوان و دی‌دی را مشمول نظام ثبت و تأیید دولتی می‌کرد. در این رویکرد الگوریتم‌ها شکلی از قدرت هستند و باید به گونه‌ای تنظیم شوند که قابل فرمان، قابل نظارت و قابل توقف باشند. به همین دلیل، اداره فضای سایبری چین اکنون اختیار دارد هر الگوریتمی را که «تأثیر اجتماعی» دارد، محدود، اصلاح یا حتی متوقف کند.

حادثه شرکت دی‌دی در سال ۲۰۲۱، که در جریان تلاش این شرکت برای عرضه اولیه سهام در بورس آمریکا و احتمال دسترسی نهادهای نظارتی آمریکا (از جمله SEC) به بخشی از داده‌های آن مورد توجه قرار گرفت، به نقطه عطفی در سیاست‌های چین برای کنترل خروج داده تبدیل شد. دولت چین پس از این رویداد اعلام کرد هر شرکتی که داده‌های حساس یا مهم جمع‌آوری می‌کند، بدون دریافت مجوز رسمی دولت حق عرضه سهام در بازارهای خارجی را ندارد. این تصمیم مستقیماً ساختار سرمایه‌گذاری و الگوی رشد پلتفرم‌های چینی را تحت تأثیر قرار داد و شرکت‌ها را واداشت تا معماری داده، زیرساخت‌های سرور و زنجیره ارزش خود را بازطراحی کنند تا با رژیم سخت‌گیرانه جدید همخوان شوند. (مونرو و یائو، ۲۰۲۱)

در سطح سیاست‌گذاری، دولت چین بر این اصل استوار است که داده باید در خدمت اهداف حکومتی و امنیت ملی قرار گیرد. از نگاه رهبری چین، داده منبعی است که سه نوع قدرت—سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک—تولید می‌کند و بنابراین نمی‌توان مدیریت آن را به طور کامل در اختیار بخش خصوصی گذاشت. این رویکرد در چارچوب گسترده‌تر «امنیت ملی جامع» (总体国家安全观) که

توسط شی جین پینگ تئوریزه شده، جای می‌گیرد؛ چارچوبی که داده را یکی از ستون‌های حفظ ثبات نظام، کنترل ریسک‌های ساختاری و هدایت فعالیت پلتفرم‌ها در مسیر اهداف دولت می‌داند. در چین نظامی، پلتفرم‌های دیجیتال می‌توانند رشد اقتصادی چشمگیر داشته باشند، اما تنها تا جایی که داده‌ها و الگوریتم‌هایشان شفاف، قابل نظارت و همسو با جهت‌گیری‌های سیاستی کشور باقی بماند. به این ترتیب، دولت مرزی مشخص برای فعالیت شرکت‌های فناوری تعیین می‌کند؛ مرزی که در آن رشد اقتصادی ممکن است، اما تحت قید مدیریت متمرکز داده و در هماهنگی با اولویت‌های امنیتی و حکمرانی قرار می‌گیرد. (وری و گونگ، ۲۰۲۵)



## دوم: مقررات‌گذاری سنگین بر پلتفرم‌ها

سرکوب‌های گول‌های اقتصاد پلتفرمی به صورت مرحله‌ای و با شدت فزاینده، ابتدا با انحصارزدایی آغاز شد و سپس به حوزه امنیت داده و حاکمیت سیاسی گسترش یافت و نشان داد که کنترل بر سرمایه خصوصی در بالاترین اولویت قرار دارد.

### موج اول: انحصارزدایی و اصلاح مالی (۲۰۲۰-۲۰۲۱)

اگرچه «قانون ضد انحصار» (AML) از سال ۲۰۰۸ در چین وجود داشت، اجرای قاطع و نظام‌مند آن عملاً از نوامبر ۲۰۲۰ و با انتشار «رهنمودهای ضد انحصار برای اقتصاد پلتفرم» توسط اداره دولتی تنظیم بازار (SAMR) آغاز شد. (ژنگ، ۲۰۲۳) این رهنمودها نخستین چارچوب تفسیری دقیق از نوع نظارتی ارائه کردند که دولت قصد داشت در حوزه اقتصاد پلتفرمی اعمال کند و به عنوان نقطه چرخش مهمی شناخته می‌شوند که نظارت رقابتی را از حالت کلی و تفسیرپذیر به سازوکاری فعال، شفاف و قابل اعمال در برابر گول‌های فناوری تبدیل کرد.

نمادین‌ترین اقدام این دوره، جریمه بی‌سابقه ۲/۸ میلیارد دلاری علی‌بابا در آوریل ۲۰۲۱ بود؛ جریمه‌ای که به دلیل نقض قوانین ضد انحصار و سوءاستفاده از موقعیت مسلط در بازار اعمال شد و به سرعت به مهم‌ترین نشانه تغییر رویکرد دولت در قبال گول‌های فناوری تبدیل گشت. این اقدام صرفاً یک مجازات مالی نبود، بلکه پیامی صریح و سیاسی به تمامی بازیگران بزرگ صنعت ارسال کرد:

«انحصار با اقتصاد بازار ناسازگار است، اما تنظیم‌گری قانونی نه تنها مانع توسعه نیست، بلکه شرط تداوم آن است». در حوزه فین‌تک نیز تعلیق IPO آنت‌گروپ همین منطق را دنبال کرد؛ تصمیمی که این شرکت را ملزم ساخت تا خود را با مقررات سخت‌گیرانه سرمایه، الزامات شفافیت و کنترل ریسک مالی سازگار کند و از گسترش یک زیرساخت اعتباری پریسک خارج از نظارت رسمی جلوگیری شود.

نمادین‌ترین اقدام در این موج، جریمه بی‌سابقه ۲/۸ میلیارد دلاری علی‌بابا در آوریل ۲۰۲۱ بود، که به دلیل نقض قوانین ضدانحصار و سوءاستفاده از موقعیت مسلط در بازار اعمال شد. (چانگ و گلدکورن، ۲۰۲۱) این اقدام نه تنها یک مجازات مالی بود، بلکه یک پیام قاطع سیاسی به تمام شرکت‌های بزرگ فناوری ارسال کرد: «انحصار دشمن بزرگ اقتصاد بازار است، اما مقررات‌گذاری تحت قانون با حمایت از توسعه تضادی ندارد». (ویلر، ۲۰۲۱) در بخش فین‌تک نیز، تعلیق IPO آنت‌گروپ نیاز به انطباق با مقررات سخت‌گیرانه سرمایه و کاهش ریسک مالی سیستمیک ناشی از فعالیت‌های اعتباری این شرکت را اجباری کرد.

### موج دوم: حاکمیت داده و امنیت ملی (۲۰۲۱-۲۰۲۲)

در موج دوم، تمرکز به امنیت داده و حاکمیت سایبری منتقل شد. اجرای قاطع قانون امنیت داده (DSL) و قانون حفاظت از اطلاعات شخصی (PIPL) در سال ۲۰۲۱، چارچوب قانونی چین را برای کنترل داده‌ها به طور بنیادین دگرگون کرد. (دی‌ال‌ای‌پایپر، ۲۰۲۵) این قوانین، داده‌ها را به عنوان زیرساخت امنیتی حیاتی تعریف می‌کنند. تمرکز همزمان بر این دو قانون، نشان‌دهنده یک نگرانی عمیق‌تر است: حزب در تلاش است تا شبکه‌های سایبری و داده‌های ذخیره‌شده در آن‌ها را در برابر تهدیدات پیش‌بینی‌نشده «سخت‌تر» کند. (کریمرز، ۲۰۲۲)

مورد شرکت خدمات حمل و نقل اینترنتی دی‌دی نمونه بارز تبدیل ریسک نظارتی به ریسک امنیت ملی است. جریمه ۱/۲ میلیارد دلاری این شرکت در جولای ۲۰۲۲ توسط اداره فضای سایبری چین (CAC) به دلیل جمع‌آوری غیرقانونی اطلاعات مشتریان و مهم‌تر از آن، به خطر انداختن «امنیت ملی در زیرساخت‌های اطلاعاتی حیاتی» اعمال شد. (مورگان لوئیس، ۲۰۲۲) این مجازات پس از آن رخ داد که شرکت در ژوئن ۲۰۲۱، بدون تأییدیه رگولاتورها، در بورس نیویورک لیست شده بود. جریمه اعمال شده، که بیش از ۴٪ از درآمد سالانه آن بود، نزدیک به حداکثر مجازات ۵٪ تحت قانون PIPL بود. علاوه بر

شرکت، مدیران ارشد، از جمله چنگ وی (رئیس هیئت مدیره) و ژان لیو (رئیس)، به دلیل مسئولیت در تخلفات، هر یک ۱ میلیون یوان جریمه شدند. (وارن و ژو، ۲۰۲۲)

در واکنش مستقیم به این ماجرا، پکن مقررات جدیدی برای بستن فوری خلأهای قانونی وضع کرد، از جمله «تدابیر بازبینی امنیت سایبری» که پلتفرم‌هایی با بیش از یک میلیون کاربر داده‌های چینی را ملزم به عبور از بازبینی امنیت سایبری قبل از لیست شدن در خارج از کشور می‌کند. این مجازات‌های سنگین و جریمه‌های شخصی برای مدیران اجرایی نشان داد که عدم انطباق قانونی، به ویژه در مورد خروج داده‌ها و لیست شدن خارجی، به سرعت به ریسک سیاسی برای مدیریت شرکت تبدیل می‌شود.

## معماری سیاست دوگانه چین در اقتصاد دیجیتال

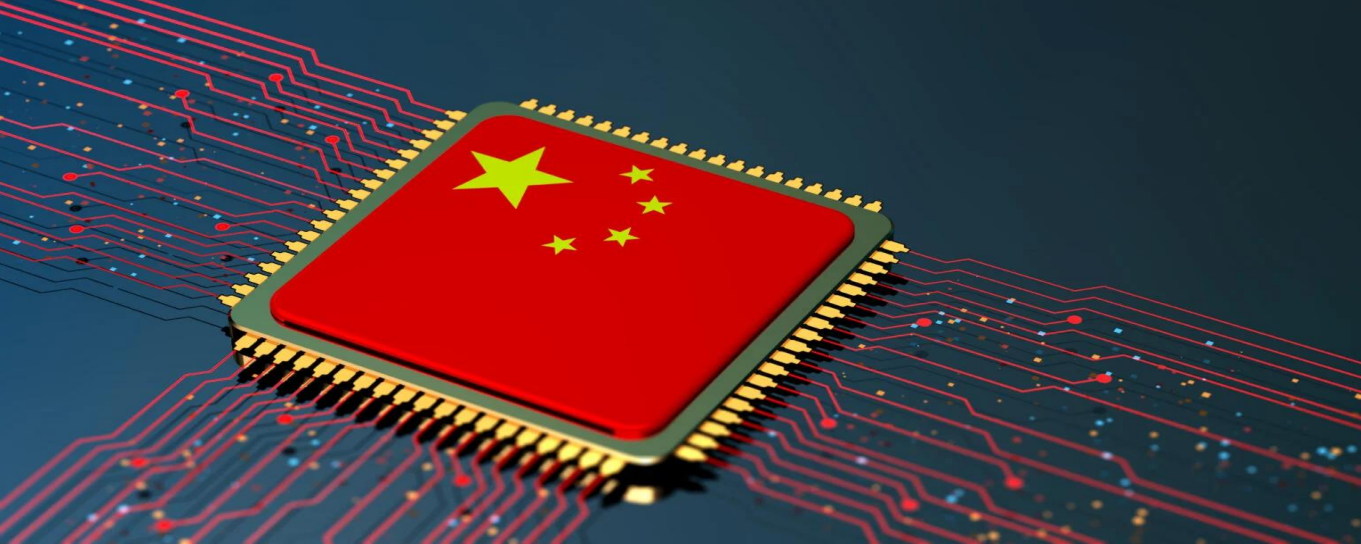
سیاست دوگانه، رویکردی متمایز در اقتصاد دیجیتال چین است و به شکل همزمان شامل کنترل برخی بخش‌ها (نرم‌افزاری) و حمایت از بخش‌های استراتژیک (فناوری‌های بنیادین) می‌شود. جدول زیر خلاصه‌ای از این معماری را نشان می‌دهد:

### معماری سیاست دوگانه چین در اقتصاد دیجیتال (کنترل در مقابل حمایت)

پارامتر	پلتفرم‌های اقتصاد نرم (کنترل)	فناوری‌های بنیادین (حمایت)
ماهیت صنعت	خدمات مصرف‌کننده، فین‌تک، داده‌بزرگ، شبکه‌های اجتماعی	نیمه‌هادی‌ها، هوش مصنوعی، تجهیزات صنعتی، بیوتکنولوژی
اهرم سیاست‌گذاری اصلی	مقررات ضدانحصار (SAMR)، امنیت داده (CAC)، کنترل محتوا، رفاه مشترک	سرمایه‌گذاری دولتی متمرکز، معافیت مالیاتی، بسیج منابع ملی
هدف استراتژیک	مهار قدرت سرمایه، کاهش ریسک مالی سیستمیک، همسویی ایدئولوژیک، امنیت اجتماعی	استقلال فناورانه، ارتقاء زنجیره ارزش جهانی، امنیت ملی در مقابل مهار خارجی

وزارت صنعت و فناوری اطلاعات (MIT) وزارت علوم و فناوری (MoST)، کمیته ملی توسعه و اصلاحات (NDRC)	اداره فضای مجازی (CAC)، اداره دولتی تنظیم بازار (SAMR)، کمیسیون تنظیم‌گری بانک و بیمه (CBIRC)	نهادهای ناظر کلیدی
---	--	--------------------

تحلیل پیامدهای این مدل نشان می‌دهد که سیاست‌های کنترل بر بخش پلتفرم‌های نرم باعث تغییراتی در رفتار سرمایه‌گذاری و ورود استارت‌آپ‌ها شده است. برخی شواهد حاکی از کاهش سرمایه‌گذاری خطرپذیر و تغییر الگوی راه‌اندازی شرکت‌ها در بازارهای تحت مقررات است. در مقابل، سیاست‌های حمایتی برای فناوری‌های بنیادین با هدف تقویت استقلال فناورانه و ارتقاء توان رقابتی جهانی طراحی شده و منابع مالی و زیرساختی قابل توجهی را در اختیار این بخش‌ها قرار می‌دهد. این چارچوب نشان می‌دهد که دولت چین تلاش دارد بین **کنترل اقتصادی و سیاسی در بخش‌های حساس و تقویت بخش‌های استراتژیک** تعادلی برقرار کند، بدون اینکه صرفاً یکی را بر دیگری اولویت دهد. پیامدهای دقیق این رویکرد بسته به نوع صنعت، اندازه شرکت و تعامل با بازارهای بین‌المللی متفاوت است. (رونگ و همکاران، ۲۰۲۵)



## سوم: حمایت متمرکز از فناوری‌های بنیادین (اقتصاد سخت)

در موازات با کنترل شدید بر اقتصاد پلتفرمی، دولت چین بسیج ملی عظیمی از منابع را برای حمایت از فناوری‌های بنیادین آغاز کرده است. این رویکرد مستقیماً با استراتژی خودکفایی فناوریانه حزب همسو است.

### سازوکارهای بسیج ملی و سرمایه‌گذاری متمرکز

دولت چین صنعت مدارهای مجتمع (تراشه) را به عنوان یک صنعت «استراتژیک، بنیادین، و پیشرو» می‌داند که نه تنها با توسعه اقتصادی بلکه مستقیماً با امنیت ملی پیوند خورده است. (ایتو، ۲۰۲۲) چین در واکنش به محدودیت‌های خارجی، که دستیابی به نیمه‌هادی‌های پیشرفته را دشوار ساخت، سرمایه‌گذاری متمرکز خود را به شدت افزایش داده است.

**صندوق بزرگ و نیمه‌هادی‌ها:** این تلاش‌ها شامل تأسیس یک «صندوق با منابع هنگفت» در چندین مرحله است که منابع مالی هنگفتی را برای حمایت از تلاش‌های خودکفایی در بخش نیمه‌هادی‌ها فراهم می‌کند. (جانجواو همکاران، ۲۰۲۴) چین هدف‌گذاری «زنجیره تأمین کامل» را دنبال می‌کند تا وابستگی به اجزای خارجی را در این صنعت حساس کاهش دهد. (گودریچ، ۲۰۲۵)

**هوش مصنوعی (AI):** تمرکز بر AI نیز به شدت افزایش یافته است. شی جین پینگ هوش مصنوعی را یک «فناوری استراتژیک» خوانده و بر نیاز چین به «خوداتکایی و قدرت» در این حوزه تأکید

کرده است. هدف اصلی شامل بهبود تراشه‌های داخلی AI و نرم‌افزارهای پایه است. این مداخلات نشان‌دهنده اعتقاد حزب به این است که تنها از طریق بسیج متمرکز منابع، می‌توان در این حوزه‌های حیاتی مزیت رقابتی کسب کرد. (شین‌هوا، ۲۰۲۵)

## چالش‌های مدل سرمایه‌داری دولتی و نیاز به تعادل

اگرچه تزریق منابع دولتی عظیم به بخش Hard Tech یک مزیت رقابتی بزرگ است، اما این مدل سرمایه‌داری دولتی با چالش‌های ذاتی روبرو است. تخصیص ناکارآمد منابع و فساد مدیریتی، از جمله ریسک‌های داخلی مهمی هستند که چین در این دوره با آن دست و پنجه نرم می‌کند. دستگیری رهبران ارشد «صندوق بزرگ» نیمه‌هادی هادر سال ۲۰۲۲ به اتهام فساد، نشان داد که مشکلات داخلی در اجرای برنامه‌های Hard Tech همچنان یک عامل ریسک جدی است و می‌تواند از تلاش‌های ملی برای استقلال فناوریانه جلوگیری کند. (آلن، ۲۰۲۳)

علاوه بر این، چین همچنان باید تعادلی ظریف بین استراتژی «خودکفایی مبتنی بر امنیت» و «یکپارچگی جهانی مبتنی بر بازار» ایجاد کند. با وجود پیشرفت‌ها در گره‌های تولیدی بالغ و تجهیزات داخلی، بخش Hard Tech چین هنوز به شدت به تخصص و تجهیزات خارجی وابسته است، به ویژه در پیشرفته‌ترین بخش‌های صنعت نیمه‌هادی. (های، ۲۰۲۵)



## چهارم: همزمانی خروج مدیران اینترنتی و بازآرایی نخبگان سیاسی

یکی از واضح‌ترین شاخص‌های تغییر اولویت‌های استراتژیک حزب کمونیست، بازآرایی ترکیب نخبگان سیاسی در نشست‌های کنگره ملی خلق (NPC) و کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین (CPPCC) در سال ۲۰۲۳ بود. این بازآرایی نشان‌دهنده انتقال نفوذ از سرمایه‌های Soft Tech به نخبگان Hard Tech و عناصر امنیتی است.

یکی از روشن‌ترین نشانه‌های تغییر اولویت‌های راهبردی حزب کمونیست را می‌توان در بازآرایی ترکیب نخبگان سیاسی در نشست‌های کنگره ملی خلق (NPC) و کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین (CPPCC) در سال ۲۰۲۳ مشاهده کرد؛ بازآرایی‌ای که از کاهش وزن سرمایه‌گذاران و چهره‌های مرتبط با فناوری‌های نرم (Soft Tech) و در مقابل، قدرت‌گیری نخبگان فناوری سخت (Hard Tech) و عناصر امنیتی حکایت دارد.

## کمرنگ‌شدن نفوذ فناوری‌های نرم و قدرت‌گیری نخبگان فناوری سخت

در حالی که چهره‌هایی مانند «جک ما» عضو حزب کمونیست هستند، پس از سال ۲۰۲۰، مدیران برجسته Soft Tech به طور فزاینده‌ای از کانون‌های قدرت سیاسی فاصله گرفتند و در نشست‌های ۲۰۲۳، حضور آن‌ها در نهادهای عالی حاکمیتی کمرنگ شد. (میسزرک، ۲۰۲۳) این فاصله گرفتن، یک

تصمیم عمده از سوی حزب برای کنترل نفوذ این طبقه نخبگان و تضمین این امر است که آن‌ها نمی‌توانند مستقیماً بر سیاست‌گذاری ملی تأثیر بگذارند.

در مقابل، تمرکز بر خودکفایی فناورانه منجر به افزایش چشمگیر نمایندگی کارشناسان و مدیران صنایع حیاتی در NPC و CPPCC شد.<sup>۳۱</sup> این نخبگان جدید عمدتاً از بخش Hard Tech هستند. برای مثال، ژانگ سوکسین، رئیس گروه تولیدکننده تراشه هواآهونگ، و چن تیانشی، رئیس کامبریکان تکنولوژی (شرکت تراشه‌های هوش مصنوعی)، در سال ۲۰۲۳ برای اولین بار به ترتیب به عنوان نماینده مجلس ملی خلق و مشاور سیاسی ملی انتخاب شدند. این صعود نخبگان Hard Tech ابزاری برای نهادینه‌سازی تغییر اولویت از «رشد اقتصادی لیبرال» به «امنیت و استقلال فناورانه» است. حزب تضمین می‌کند که ذی‌نفعان اصلی در فرآیند قانون‌گذاری، اکنون نخبگان فنی و امنیتی هستند که دیدگاه‌های آن‌ها با استراتژی Hard Tech حزب همسواست و می‌توانند تصویب قوانین حیاتی (مانند قانون تراشه) و بسیج منابع را تسریع بخشند. (ماسی، ۲۰۲۳)

### پاکسازی‌های مرتبط با امنیت ملی و وفاداری

علاوه بر تغییر ترکیب در Hard Tech، تمرکز بر وفاداری مطلق و امنیت ملی در نهادهای عالی حاکمیتی نیز افزایش یافت. در اواخر سال ۲۰۲۳، CPPCC چندین مقام ارشد، از جمله یی گانگ (رئیس سابق بانک مرکزی) و رهبران صنایع دفاعی را از سمت‌های رهبری در کمیته‌های تخصصی خود حذف کرد. (تریویوم چین، ۲۰۲۵)

برخی از این اقدامات به کمپین مبارزه با فساد و همچنین مبارزه با «مقامات عریان» مربوط می‌شود؛ کسانی که با داشتن همسر یا فرزندان مقیم خارج از کشور، از دید حزب ریسک امنیتی یا وفاداری ایجاد می‌کنند. حذف مدیران ارشد صنایع هوا و فضا و دفاعی، مانند لیوشی چوان و وو یان شنگ از CPPCC، نیز نشان‌دهنده اولویت وفاداری مطلق و پاکسازی در بخش‌های حیاتی برای امنیت ملی است. این اقدامات نشان می‌دهد که حذف کانال‌های نفوذ مستقل یا افراد دارای ریسک امنیتی، بخشی جدایی‌ناپذیر از استراتژی کلان‌حزبی برای تقویت کنترل در لایه‌های عالی تصمیم‌گیری است. (هاوکینز،

## همزمانی تغییرات مقرراتی و بازاریابی نخبگان سیاسی

همزمانی موج جدید اقدامات رگولاتوری با بازاریابی نخبگان سیاسی، تصویر روشنی از منطق راهبردی حزب کمونیست ارائه می‌دهد. در واقع، تحولات عرصه مقررات گذاری و تغییر ترکیب نخبگان حاکم، نه روندهایی مجزا بلکه دو وجه مکمل یک فرآیند واحد هستند که هدف آن بازتعریف مبانی حکمرانی در عصر رقابت ژئوپلیتیک و فشارهای فناورانه است.

### همزمانی تغییرات مقرراتی و بازاریابی نخبگان سیاسی (۲۰۲۰-۲۰۲۳)

دوره زمانی	رویداد مقرراتی کلیدی (اقتصاد نرم)	تغییر راهبردی (اقتصادی/سیاسی)
نوامبر ۲۰۲۰	تعلیق IPO گروه آنت؛ آغاز سرکوب بسط بی‌نظم سرمایه	تأکید دفتر سیاسی حزب بر استقلال فناوری در مواجهه با مهار خارجی
آوریل ۲۰۲۱	جریمه بی‌سابقه علی‌بابا (۲/۸ میلیارد دلار)	تمرکز بر طرح‌های ملی برای دستیابی به «فناوری‌های هسته‌ای و کلیدی»
جولای ۲۰۲۲	جریمه ۲/۱ میلیارد دلاری دیدی به دلیل امنیت داده و لیست شدن در بورس آمریکا	نیاز به «اقدامات فوق‌العاده» برای خودکفایی فناورانه
مارس ۲۰۲۳	کاهش نفوذ نخبگان اینترنتی در NPC و CPPCC	افزایش چشمگیر حضور مدیران نیمه‌هادی‌ها و هوش مصنوعی در NPC/ CPPCC
اواخر ۲۰۲۳	پاکسازی مقامات ارشد با پیوندهای خارجی/فساد از CPPCC (مانند پی‌گانگ رئیس بانک مرکزی چین و برخی مدیران بخش دفاعی)	تقویت نفوذ عنصر امنیت ملی و وفاداری مطلق در لایه‌های عالی تصمیم‌گیری

کاهش نفوذ نخبگان بخش فناوری نرم در ساختارهای تصمیم‌گیری نه‌تنها به تضعیف کانال‌هایی انجامیده است که پیش‌تر می‌توانستند دیدگاه‌های بازار و منطق کارآفرینی را بدون فیلترهای سیاسی به راس نظام منتقل کنند؛ بلکه الگوی جدیدی از حکمرانی را تثبیت کرده است که در آن، ایدئولوژی، امنیت ملی و احتیاط سیاسی جایگاه برتر می‌یابند و عرصه برای جریان‌های مبتنی بر نوآوری بازارمحور محدودتر می‌شود. این تحول، بیش از آنکه یک تغییر تاکتیکی کوتاه‌مدت باشد، بخشی از مهندسی دوباره رابطه دولت و بخش خصوصی در راستای اولویت‌دادن به «فناوری‌های راهبردی» است.



## پنجم: ماهیت تغییر جهت استراتژیک: برنامه‌ریزی شده یا واکنشی؟

تحول سیاست‌گذاری چین در حوزه اقتصاد دیجیتال و فناوری طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ پرسشی بنیادین را مطرح می‌کند: آیا این تغییر جهت را باید نتیجه یک برنامه‌ریزی بلندمدت دانست یا پیامدی از واکنش دولت به بحران‌ها و تنش‌های غیرمنتظره؟ بررسی مجموعه‌ای از شواهد نهادی، مقرراتی و گفتمانی نشان می‌دهد که این تحول نه صرفاً واکنشی و نه کاملاً از پیش طراحی شده بود؛ بلکه نوعی «برنامه‌ریزی راهبردی» بود که در مواجهه با رویدادهای خاص شتاب گرفت. در واقع، ساختار تغییر از پیش مهندسی شده بود، اما رخدادهای اقتصادی و ژئوپلیتیک، زمان‌بندی و شدت اجرای آن را به طور معنادار تسریع کردند.

از منظر برنامه‌ریزی ساختاری، ریشه‌های این تغییر جهت به اوایل دهه ۲۰۱۰ بازمی‌گردد. رهبری چین از همان دوره تلاش برای تقویت نقش دولت و محدودسازی قدرت مستقل شرکت‌های فناوری را آغاز کرده بود. تدوین تدریجی قوانینی همچون قانون حفاظت از اطلاعات شخصی (PIPL) و قانون ضدانحصار (AML) پیش از سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که دولت قصد داشت چارچوب حکمرانی دیجیتال را بازتعریف کند و کنترل خود بر گردش داده‌ها و رفتار پلتفرم‌ها را افزایش دهد. در سطح ایدئولوژیک، دکترین «رفاه مشترک» نیز توجیه نظری لازم را برای بازتوزیع قدرت اقتصادی و مداخله گسترده‌تر دولت در بخش خصوصی فراهم کرده بود. این برنامه‌ریزی در حوزه فناوری‌های سخت نیز قابل مشاهده است؛ سیاست‌های حمایت از نیمه‌هادی‌ها و هوش مصنوعی—که از میانه دهه ۲۰۱۰ در قالب برنامه‌هایی همچون «ساخت چین ۲۰۲۵» دنبال می‌شد—نشان می‌دهد که چین از مدت‌ها قبل به دنبال کاهش

وابستگی فناوری و تقویت ظرفیت‌های استراتژیک خود بود. مجموعه این عناصر بیانگر آن است که چین پیش از بحران‌های ۲۰۲۰، مسیر تغییر را تعریف کرده بود. (جانجواو همکاران، ۲۰۲۴)

با این حال، عوامل واکنشی در تسریع این مسیر نقشی اساسی ایفا کردند. سخنرانی جک مادر سال ۲۰۲۰، که سیاست‌های نظارتی دولت را مورد انتقاد قرار داد، به عنوان یک چالش سیاسی تلقی شد و فرایند اجرای قوانین ضد انحصار را شتاب بخشید. به همین ترتیب، عرضه سهام شرکت دی‌دی در بازار نیویورک در بحبوحه تنش‌های ژئوپلیتیک و حساسیت‌های امنیت داده، موجب شد دولت به سرعت مقررات سخت‌گیرانه امنیت داده و کنترل فهرست‌بندی خارجی را اعمال کند. این رویدادها تغییر گفتمان نظارتی را از رویکرد رقابت‌محور به چارچوبی امنیت‌محور منتقل کردند؛ چارچوبی که در آن تهدیدات امنیت ملی دستاویزی برای اعمال کنترل گسترده‌تر بر پلتفرم‌ها شد. بدین ترتیب، واکنش‌ها نه ماهیت جدیدی برای سیاست‌گذاری ایجاد کردند و نه مسیر کلان را تغییر دادند، اما به طور قاطع اجرای آن را تسریع کردند. (ژانگ، ۲۰۲۵)

در جمع‌بندی می‌توان گفت ماهیت تغییر جهت چین ترکیبی از یک «طرح استراتژیک بلندمدت» و «شتاب ناشی از بحران‌ها» بود. ساختار اصلی تغییر—از جمله اولویت دادن به امنیت داده، کنترل حزب بر اقتصاد دیجیتال، و حمایت از فناوری‌های راهبردی—از پیش طراحی شده بود؛ اما رویدادهای پیش‌بینی نشده، فرصت و مشروعیت لازم را فراهم کردند تا دولت اجرای این طرح را سریع‌تر و قاطع‌تر پیش برد. پیامد این فرایند، شکل‌گیری نظامی از «نظارت نرمال شده» بر بخش فناوری نرم است؛ نظامی که در آن شرکت‌های پلتفرمی قادر به فعالیت‌اند، اما تنها در صورتی که با اولویت‌های امنیتی و سیاسی حزب کاملاً هماهنگ باشند و امکان ایجاد قدرت مستقل از حاکمیت مرکزی نداشته باشند. این وضعیت نشان‌دهنده گذار چین از مدل رشد مبتنی بر بازار به مدل حکمرانی سیاسی محور در حوزه فناوری است.

## نتیجه‌گیری

بررسی سیاست دوگانه چین در حوزه اقتصاد دیجیتال نشان می‌دهد که این سیاست نه یک اقدام تاکتیکی کوتاه‌مدت برای اصلاح نواقص بازار، بلکه بخشی از یک **تغییر ساختاری و بلندمدت** در معماری اقتصادی-سیاسی کشور است. این تغییر با هدف تقویت اقتدار حزب کمونیست چین در شرایط رقابت ژئوپلیتیک و تحولات سریع فناوری طراحی شده و به تدریج در تمامی لایه‌های حکمرانی، مقررات‌گذاری و تخصیص منابع تثبیت شده است.

نخست، تحلیل نشان می‌دهد که **امنیت سیاسی و ایدئولوژیک بر منطق اقتصاد بازار اولویت یافته است**. دولت چین، از طریق گفتمان‌هایی همچون «رفاه مشترک» و مبارزه با «انباشت بی‌نظم سرمایه»، روشن ساخت که نوآوری در بخش فناوری‌های نرم تنها در صورتی پذیرفتنی است که کاملاً با اهداف سیاسی حزب همسو باشد. اعمال جریمه‌های گسترده، محدودیت‌های شدید در حوزه داده و اجرای قوانین جدیدی نظیر PIPL و DSL این پیام را نهادینه کرده‌اند که ریسک عدم همسویی با حزب بسیار فراتر از پیامدهای ناکارآمدی اقتصادی تلقی می‌شود.

دوم، سیاست دوگانه به مثابه **ابزاری کلان برای بازتخصیص منابع** عمل می‌کند. دولت با هدایت سرمایه مالی، انسانی و نهادی از حوزه‌های مصرف‌محور و پلتفرمی (Soft Tech) به سمت بخش‌های دارای اهمیت راهبردی (Hard Tech) تلاش دارد مسیر دستیابی به خودکفایی فناوریانه را تسریع کند. این جهت‌گیری از طریق برنامه‌های سرمایه‌گذاری متمرکز—از جمله صندوق‌های بزرگ حمایت از نیمه‌هادی‌ها—و با هدف کاهش وابستگی ساختاری به فناوری غرب دنبال می‌شود.

سوم، تغییر ترکیب نخبگان سیاسی در ساختارهایی مانند کنگره ملی خلق (NPC) و کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین (CPPCC) در سال ۲۰۲۳، بیانگر **نهادینه‌سازی جایگاه بخش Hard Tech** در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری است. کاهش وزن مدیران شرکت‌های اینترنتی و افزایش حضور متخصصان صنایع حیاتی همچون تراشه و هوش مصنوعی نشان می‌دهد که دولت قصد دارد

اولویت امنیت فناوری و توانمندی صنعتی را در سطح نهادی تثبیت کند و ذی نفعان اصلی این راهبرد را در فرآیند قانون گذاری ادغام نماید.

چهارم، تحولات اخیر چین واجد ماهیتی راهبردی با اجرای تسریع شده است. تغییر جهت کلان پیش از سال ۲۰۲۰ طراحی شده بود؛ با این حال، رخدادهایی مانند انتقادات جک ما و تنش های ژئوپلیتیک مرتبط با عرضه سهام شرکت های نظیر Didi، زمان بندی اجرای این سیاست ها را سرعت بخشیدند. در نتیجه، سیاست های امنیت محور که پیش تر تدریجی پیش می رفتند، پس از ۲۰۲۰ با شدت و قاطعیت بیشتری اعمال شدند.

در نهایت، یافته ها نشان می دهد که تلاش های اخیر چین برای حمایت از کسب و کارهای خصوصی نباید معادل بازگشت به سیاست های انعطاف پذیر پیش از ۲۰۲۰ تفسیر شود. کنترل سخت گیرانه بر بخش Soft Tech و حمایت گسترده از Hard Tech دو مؤلفه مکمل یک استراتژی پایدار هستند که می توان آن را «امنیت از طریق قدرت» نامید. بر این اساس، ارزیابی فرصت های سرمایه گذاری در چین مستلزم تحلیل دقیق ریسک سیاسی، درک ساز و کارهای همسویی با اولویت های استراتژیک دولت و پذیرش این واقعیت است که هرگونه فعالیت در اقتصاد دیجیتال تحت نظارت و الزامات ایدئولوژیک و امنیتی حزب کمونیست قرار دارد. (دیویدسون، ۲۰۲۵)

## References

1. Tang, F. (2021, September 12). Common prosperity and dual circulation? China's economic buzzwords unpacked. South China Morning Post.
2. Janjeva, A., Baek, S., & Sellars, A. (2024, December). China's quest for semiconductor self-sufficiency: The impact on UK and Korean industries. CETaS Briefing Papers. Centre for Emerging Technology and Security, The Alan Turing Institute.
3. Forde, K. (2020, November 5). Ant march halted: What Ma's frozen IPO says about China business. *Al Jazeera*
4. Reuters. (2021, September 2). Chinese media defends wave of industry regulation, says reforms in West 'stuck in silence'. *Reuters*.

5. China's economic rebalancing and 'common prosperity.' (2022). Strategic Comments, 28(10), vii–ix.
6. <https://www.iiss.org/publications/strategic-comments/2023/chinas-economic-rebalancing-and-common-prosperity/>
7. Xi, J. (2021, October 19). Full text: Xi Jinping's speech on boosting common prosperity. *Caixin Global*.
8. Davey, A. (2021, November 3). Beijing's tech crackdown on ideological misalignment and drivers of inequality. *Mercator Institute for China Studies (Merics)*.
9. Sun, X. (2022, April). *Decoding China's "common prosperity" drive*. LSE IDEAS.
10. Armstrong-Scott, G., Ferguson, J. B., & Tang, I. (2023, January 20). 2023 Chinese tech preview: China's heavy hand a boon to innovation in the state. *Capstone*.
11. Allen, G. C. (2023, May). *China's new strategy for waging the microchip tech war*. Center for Strategic and International Studies.
12. Hai, J. S. (2025, May 28). *What's happening in China's semiconductor industry?* Economics Observatory.
13. Garcia Herrero, A. (2021, September 1). *What is behind China's dual circulation strategy*. PRC Leader.
14. Yao, K. (2020, September 14). *Explainer: What we know about China's 'dual circulation' economic strategy*. World Economic Forum.
15. Wübbcke, J., Meissner, M., Zenglein, M. J., Ives, J., & Conrad, B. (2016). *Made in China 2025: The making of a high-tech superpower and consequences for industrial countries* (MERICS Papers on China No. 2). Mercator Institute for China Studies.
16. Xinhua. (2025, April 29). Xi urges promoting healthy and orderly development of AI. The State Council of the People's Republic of China.
17. Zheng, Wentong (2023) "The Chinese Antitrust Paradox," The University of Chicago Business Law Review: Vol. 2: No. 2, Article 3.
18. Chang, C., & Goldkorn, J. (2021, August 2). *China's 'Big Tech crackdown': A guide*. The China Project.
19. Wheeler, T. (2021, April 16). *The Chinese government embraces tech industry competition*. Brookings Institution.
20. Zhang, J. D. (2025). Variations in the enforcement of China's platform regulation. *Socio-Economic Review*
21. DLA Piper. (2025, January 20). *Data protection laws in China*. In *Data protection laws of the world*.

22. Creemers, R. (2022). China's emerging data protection framework. *Journal of Cybersecurity*, 8(1), tyac011.
23. Warren, S., & Zhu, L. (2022, August). China's Didi fined over US\$1 billion by Chinese data regulators. *Squire Patton Boggs*.
24. Morgan Lewis. (2022, July 28). *Cyberspace Administration of China issues statement on Didi's \$1.2B fines for cybersecurity law violations*.
25. Rong, K., Sokol, D. D., Zhou, D., & Zhu, F. (2025). Antitrust platform regulation and entrepreneurship: Evidence from China. *Management Science*.
26. Goodrich, J. (2025, November 20). *Beijing calls for "extraordinary measures" to boost tech self-sufficiency*. IGCC Global Policy at a Glance.
27. Miszerak, M. (2023, September 12). *Tech crackdowns rid China of entrepreneurial capitalism*. East Asia Forum.
28. Ma Si. (2023, March 9). *Two sessions sharpen semiconductor focus*. China Daily.
29. Trivium China. (2025, November 06). *CPPCC removes senior officials over overseas family ties*.
30. Hawkins, A. (2023, December 28). *Three defence industry leaders removed from China advisory body*. The Guardian.
31. Davidson, H. (2025, February 17). *Xi Jinping tells Alibaba's Jack Ma and Chinese tech chiefs to 'show their talent'*. The Guardian.
32. Communist Party of China Central Committee & State Council. (2020). *Opinions on improving the mechanisms for the market-oriented allocation of production factors* (issued March 30, 2020). Xinhua News Agency.
33. Ding, Wei. (2024). The making of data security law in China: Framework, issues and future trends. *Macau Journal of Global Legal Studies*, 1, 141–185.
34. Xinhua. (2025, October 29). *Focusing on the "15th Five-Year Plan" recommendations: Accelerating high-level technological self-reliance and self-improvement*. Xinhua News Agency.
35. Munroe, T., & Yao, K. (2021, July 7). *China steps up supervision of overseas-listed firms after Didi IPO drama*. Reuters.
36. Vuori, J. A., & Gong, J. (2025). From a descriptive label to a guiding principle: The conceptual roots of national security in the People's Republic of China. *Journal of International Relations and Development*, 28, 563–586.
37. Guo, H. (2023, March 15). *Anti-monopoly regulation of digital platforms in China*. CeCo.
38. Gu, H. (2024). *Data, big tech, and the new concept of sovereignty*. *Journal of Chinese Political Science*, 29, 591–612